

آثار و سیمای پیشوای نهم (ع)

<?xml encoding="UTF-8">

دورنما

آنچه می خوانید، فشرده ای از زوایای حیات پربار جوان ترین پیشوای هدایت، نهمین مقتدای مکتب امامت، حضرت جوادالائمه علیه السلام است.

زندگی کوتاه آن امام همام، که با مشکلات فراوان توأم بود؛ در بخش های ذیل قابل بررسی است:

1. از تولّد وی تا شهادت پدرش (195- 203 ه.) .

2. دوره امامتش (203 - 220 ه.) ؛

این بخش، در دو مرحله قابل طرح است:

الف) عصر مأمون عباسی (203- 218 ه.) ؛

ب) زمان معتصم عباسی (218 - 220 ه.) .

تولّد و شهادت

مورّخان در تاریخ تولّد امام جواد علیه السلام ، اختلاف دارند؛ عده ای میلاد آن حضرت را دهم رجب، برخی 15 ماه رمضان و بعضی نیز 19 ماه رمضان سال 195 ه. در شهر مدینه می دانند. 1

پدر بزرگوار جواد الائمه علیه السلام ، امام رضا علیه السلام می باشد؛ شخصیت ارجمندی که میزان فضایل و حیطه حیات علمی، عبادی و دینی اش، برکسی پوشیده نیست.

مادر امام جواد علیه السلام ، بانوی گرامی و پاکدامنی بود به نام «سبیکه» (سکینه) و به روایت دیگر «خیزران» . آن بانوی مؤمنه به خاندان شایسته امّ المؤمنین «ماریه قبطیه» 2 تعلق داشت. بعضی ها نام وی را «ریحانه» و «درّه» نیز گفته اند. 3

امام جواد علیه السلام بعد از 25 سال زندگی افتخارآمیز، سرانجام در آخر ذیقعدۀ سال 220 ه. با تحریک معتصم عباسی و به وسیله همسرش امّ الفضل مسموم و به شهادت رسید. بدن مطهرش در گورستان قریش در بغداد، کنار قبر جدّ بزرگوارش امام کاظم علیه السلام - کاظمین - به خاک سپرده شد. 4

سخنان آغازین

امام جواد علیه السلام در روز سوم میلادش؛ لب به سخن گشود و بعد از حمد و ستایش خداوند متعال، به پیامبراکرم و خاندان عترت علیهم السلام درود فرستاد.

از حکیمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام ، آن بانوی متدین و شایسته، که سرپرستی امور تولّد امام جواد علیه السلام را به عهده داشت، نقل شده است که گفت:

... امام جواد علیه السلام بعد از تولّد، فرمود: «اشهد ان لا اله الا الله و انّ محمداً رسول الله.»

و در روز سوم بعد از میلادش فرمود: «الحمد لله و صلى الله على محمد و على الائمة الراشدين.» و نیز افزود: در روز سوم تولّدش، چشمانش را گشود و به سوی آسمان چشم دوخت و سپس به سمت راست و چپ نگاه کرد. آنگاه فرمود: «أشهد ان لا اله الا الله، و أشهد انّ محمّداً رسول الله» ؛ از دیدن حالت های وی تعجب کردم و هنوز در عالم شگفتی فرو رفته بودم که پدرش امام رضا علیه السلام آمد. به آن حضرت گفتم: از چیزهایی که از این کودک شنیدم، به شگفت آمده ام! پرسید: چه چیز شنیده ای؟ آنچه دیده و شنیده بودم، برایش تعریف کردم. حضرت فرمود: «يا حكيمة! ماترون من عجائبه اكثر؛ اي حكيمه! شگفتی هایی كه بعد از این، از او خواهید دید؛ بیشتر از آنچه تاکنون دیده اید، خواهد بود.» 5

القاب، کنیه و نقش انگشتر

برای پیشوای نهم، القاب متعدّدی ذکر کرده اند؛ مهم ترین آنها عبارتند از: جواد؛ تقی؛ مرتضی؛ قانع؛ رضی؛ مختار؛ باب المراد؛ زکی؛ متوکل؛ منتجب. 6. کنیه آن حضرت «ابوجعفر» می باشد که معمولاً در روایات تاریخی به «ابوجعفرثانی» معروف است تا با «ابوجعفر اوّل» ، یعنی امام باقر علیه السلام اشتباه نشود. نقش انگشتر آن امام همام، «العزة لله» بود. 7

از نگاه دانشمندان اهل سنت

سیمای پرفروغ و عالمتاب امام جواد علیه السلام نه تنها شیعیان را شیدای جمال و جلال خویش ساخته، که دانشمندان اهل سنت را نیز از سکوت و خاموشی رهانیده است. آنان در منابع تاریخی و حدیثی خویش، به قدر ایمان و معرفت خود، زبان به حقیقت گشوده اند و شخصیت آسمانی پیشوای نهم شیعیان را چنین به تصویر کشیده اند:

1. سبط ابن جوزی حنفی (متوفای 654 ق.) :
«و محمد، الامام ابوجعفر الثانی کان علی منهاج ابيه فی العلم و التقی و الزهد و الجود. . . و کان یلقّب بالمرتضی والقانع. . .» . 8
2. کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (متوفای 652 ق.) :
« . . و ان کان صغیر السنّ فهو کبیرالقدر، رفیع الذکر. . .» . 9
3. شمس الدّین ذهبی (748 ق.) :
«کان محمّد یلقّب بالجواد و بالقانع والمرتضی، و کان من سروات آل بیت النبی صلی الله علیه و آله وسلم . . . و کان أحد الموصوفین بالسّخاء فلذلک لقّب الجواد. . .» . 10
4. ابن صبّاح مالکی (متوفای 855 ق.) :
«و هو الامام التاسع. . . عرف بأبی جعفرالثانی، و ان کان صغیرالسنّ فهو کبیرالقدر، رفیع الذکر، القائم بالامامة بعد علیّ بن موسی الرضا. . . للنصّ علیه والاشارة له بها من ابيه كما أخبر بذلك جماعة من الثقات العدول» . 11
5. عبدالله بن محمّد بن عامر شبراوی شافعی (متوفای 1154 ق.) :
« . . و کراماته رضی الله عنه کثیرة و مناقبه شهيرة، ثم ذکر بعض مناقبه و ختم حدیثه بقوله: و هذا من بعض

در طاعت کردگار

امام جواد علیه السلام عابدترین فرد زمانش بود. محبت و علاقه اش نسبت به باری تعالی وصف نشدنی و خوف، خشوع و اخلاصش در طاعت و عبادت خداوند ستودنی است. برای ترسیم جلوه های عبادی آن حضرت، به چند نمونه بسنده می کنیم:

الف) نماز

امام جواد علیه السلام علاوه بر عبادات و نوافل معمول، نافله مخصوصی داشت. نافله آن حضرت دو رکعت بود؛ در هر رکعت، سوره فاتحه را قرائت می نمود و آنگاه هفتاد مرتبه سوره اخلاص را تکرار می کرد. 13 هرگاه وارد ماه جدید می شد، در روز اول ماه، دو رکعت نماز به جای می آورد؛ در رکعت اول، بعد از سوره حمد، به تعداد روزهای ماه (30 مرتبه) سوره توحید را می خواند. در رکعت دوم بعد از حمد، سوره انا انزلناه را مثل رکعت اول تلاوت می کرد. 14

ب) روزه

روزه های مستحبی آن حضرت نیز زیاد بود. پانزدهم و بیست و هفتم ماه رجب روزه می گرفت. اهل خانه و غلامانش نیز او را در روزه گرفتن همراهی می کردند. 15 علاوه بر این، گاهی میزان عبودیت و بندگی خویش را نسبت به مقام لایزال الهی با اذکار و ادعیه ابراز می نمود. برخی از مناجات و ادعیه آن حضرت عبارت است از:

الف) در حال قنوت

«اللّهُمَّ أَنْتَ الْاَوَّلُ بِلَا اَوَّلِيَّةٍ مَعْدُودَةٍ، وَ الْاٰخِرُ بِلَا اٰخِرِيَّةٍ مَحْدُودَةٍ، اُنْشَأْتَنَا لَا لَعْلَةَ اِقْتِسَارًا، وَ اخْتَرَعْتَنَا لَا لِحَاجَةَ اِقْتِدَارًا، وَ ابْتَدَعْتَنَا بِحِكْمَتِكَ اخْتِيَارًا، وَ بَلَوْتَنَا بِاَمْرِكَ وَ نَهْيِكَ اخْتِبَارًا، وَ اَيَّدْتَنَا بِالْاَلَاتِ، وَ مَنَحْتَنَا بِالْاَدْوَاتِ، وَ كَلَّفْتَنَا الطَّاقَةَ، وَ جَشَمْتَنَا الطَّاعَةَ، فَأَمَرْتَ تَخْيِيرًا وَ نَهْيْتَ تَحْذِيرًا، وَ حَوَّلْتَ كَثِيرًا، وَ سَأَلْتَ يَسِيرًا، فَعَصَى أَمْرِكَ فَحِلْمَتِ، وَ جَهْلِ قَدْرِكَ فَتَكْرُمَتِ. . .» 16

ب) بعد از نماز

«رَضِيتَ بِاللّهِ رَبًّا، وَ بِالْاِسْلَامِ دِينًا، وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا، وَ بَعَلِيٍّ وَلِيًّا، وَ الْحَسَنِ، وَ الْحُسَيْنِ، وَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، وَ الْحَجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، أُمَّةً.»

اللّهُمَّ وَلِيَّكَ الْحَجَّةَ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ، وَ اَمُدِّ لَهُ فِي عَمَرِهِ، وَ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، الْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ وَ أَرِهِ مَا يَحِبُّ وَ تَقَرَّبْهُ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ فِي شِيعَتِهِ وَ فِي عَدُوِّهِ، وَ أَرْهِمْ مِنْهُ مَا يَحِبُّ وَ تَقَرَّبْهُ عَيْنُهُ، وَ اشْفِ بِهِ صَدُورَنَا وَ صُدُورَ قَوْمِ مُؤْمِنِينَ.» 17

ج) برای برآورده شدن حاجت

راوی می گوید: نامه ای خدمت امام جواد علیه السلام فرستادم. در آن نامه، از حضرت تقاضا کرده بودم که دعایی برایم یاد بدهد. آن حضرت این گونه برایم نوشت:

تقول اذا اصبحْتَ و اُمسيت: «اللّهُ اللّهُ اللّهُ، رَبِّي الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، لَا اِشْرَكَ بِهِ شَيْئًا» و ان زدت على ذلك فهو خير، ثمّ تدعو بما بدأ لك في حاجتك، فهو لكل شيء باذن الله تعالى، يفعل الله ما يشاء. 18

امام جواد علیه السلام با توجّه به اینکه در سنّ جوانی به شهادت رسیدند، در عمر کوتاه و با برکت خویش علاوه بر انجام وظایف سنگین رهبری امت، به تربیت شاگردانی که بتوانند پیام آسمانی خاندان نبوت و امامت را به نسل های بعد منتقل سازند، توجّه خاص داشت.

دانشمندان علم رجال و تراجم، تعداد یاران و شاگردان امام جواد علیه السلام را 110 نفر ذکر کرده اند. 19 اسامی برخی از آن چهره های تابناک، بدین قرار است:

«حسین بن سعید اهوازی، حسن بن سعید اهوازی، محمد بن اسماعیل بن بزیع، احمد بن اُبی عبدالله برقی، علی بن مهزیار، صفوان بن یحیی، عبدالله بن صلت، علی بن اسباط، ابراهیم بن اُبی محمود خراسانی، ابراهیم بن محمد همدانی، احمد بن محمد بن اُبی نصر بزنطی کوفی، احمد بن معافی، جعفر بن محمد بن یونس احول، حسین بن بشار مدائنی، حکم بن علیاء اسدی، حمزة بن یعلی اشعری قمی، داود بن قاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، صالح بن محمد همدانی، عبدالجبار بن مبارک نهاوندی، زکریّا بن آدم، عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن اُبی طالب، عثمان بن سعید عمری، علی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن بلال بغدادی، فضل بن شاذان بن خلیل ابومحمّد ازدی نیشابوری، محمد بن عبدالجبار، ابوعلی محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک اشعری، نوح بن شعیب بغدادی، یعقوب بن اسحاق سکیت (ابویوسف)، ابویوسف الکاتب یعقوب بن یزید بن حمّاد انباری، ابوالحصین بن الحضین الحضینی». 20

انوار هدایت

در منابع تشیع و تسنّن، از امام جواد علیه السلام حدود 250 گوهر ماندگار در زمینه های مختلف فقهی، اخلاقی و اجتماعی به ما رسیده است. شایسته است که به ذکر چند نمونه که بیشتر در منابع اهل سنت است، اشاره کنیم؛ امید است که این جملات نورانی مشعلهای فروزانی باشند در دهکده ظلمانی جهان امروز و چراغ هایی در کوره راه های دشوار زندگی.

1. مَنْ اسْتَعْنَى بِاللّهِ افْتَقَرَ النَّاسُ إِلَيْهِ، وَ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ أَحَبَّهُ النَّاسُ؛ کسی که با اتکاء به خدا، روی نیاز از مردم بگرداند، مردم به او نیازمند می شوند. و کسی که پرهیزکاری پیشه سازد، محبوب مردمان می گردد. 21
2. حَسْبُ الْمَرْءِ مِنْ كَمَالِ الْمَرْوَةِ أَنْ لَا يَلْقَى أَحَدًا بِمَا يَكْرَهُ؛ کمال مروّت آن است که انسان با هیچ کس چنان رفتار نکند که برخوردش نمی پسندد. 22
3. مَنْ اسْتَحْسَنَ قَبِيحًا كَانَ شَرِيكًا فِيهِ؛ آنکه کار زشتی را نیکو شمارد، در آن کار شریک است. 23
4. مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَ مَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ؛ کسی که برادر مؤمن خود را پنهانی پند دهد، او را آراسته، و کسی که آشکارا و در حضور دیگران نصیحت کند، چهره اجتماعی او را زشت ساخته است. 24
5. عُنَاوُنُ صَحِيفَةِ الْمُسْلِمِ حُسْنُ خُلُقِهِ؛ سرآغاز نامه عمل مسلمان در قیامت، نیک خلقی اوست. 25
6. مَنْ وَثِقَ بِاللّهِ وَ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ نَجَاهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ حَرَزَ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ؛ هرکس به خدا اعتماد داشته باشد و بر او توکل کند، خدا او را از هر بدی نجات می بخشد و از هر دشمنی حفظ می کند. 26
7. الْكَمَالُ فِي الْعَقْلِ؛ کمال آدمی در خردمندی است. 27

8. اَلْعَامِلُ بِالظُّلْمِ وَالْمُعِينُ عَلَيْهِ وَالرَّاضِي شُرَكَاءُ؛ ستمکار و یاری کننده ستمکار و کسی که به ستم او راضی است، همه در گناه آن شریکند. 28
9. يَوْمَ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ اَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ؛ روز دادخواهی و عدالت بر ستمگر سخت تر از روز ستم بر ستمدیده است. 29
10. ثَلَاثٌ يَبْلُغَنَّ بِالْعَبْدِ رِضْوَانُ اللَّهِ تَعَالَى: كَثْرَةُ الْإِسْتِغْفَارِ وَ لِينُ الْجَانِبِ وَ كَثْرَةُ الصَّدَقَةِ وَ ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ لَمْ يَنْدَمْ: تَرْكُ الْعَجَلَةِ وَالْمَشُورَةُ وَالتَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ عِنْدَ الْعَزْمِ؛ سه چیز انسان را به خشنودی خدا می رساند: بسیار آمرزش خواستن از خدا؛ نرم خویی با مردم؛ و بسیار صدقه دادن.
- و سه خصلت است که در هر کس باشد، پشیمان نمی شود: شتاب نکردن در کارها؛ مشورت در کارها؛ توکل بر خدا هنگامی که بر انجام کاری تصمیم می گیرد. 30
11. اَلْعِفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ، وَ الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى، وَ الصَّبْرُ زِينَةُ الْبَلَاءِ، وَ التَّوَّاضُعُ زِينَةُ الْحَسَبِ، وَ الْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ، وَ الْحِفْظُ زِينَةُ الرِّوَايَةِ، وَ خَفْضُ الْجَنَاحِ زِينَةُ الْعِلْمِ، وَ حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ، وَ بَسْطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْكَرَمِ، وَ تَرْكُ الْمَنِّ زِينَةُ الْمَعْرِوْفِ، وَ الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ، وَ تَرْكُ مَا لَا يَغْنَى زِينَةُ الْوَرَعِ؛ پارسایی زینت فقر، شکر زینت توانگری، شکیبایی زینت بلا، فروتنی زینت شأن و بزرگی، گویایی زینت سخن، نگهداری و ضبط دقیق زینت روایت، تواضع زینت دانش، ادب زینت خرد، گشاده رویی زینت کرم و بخشنده‌گی، متت نهادن زینت احسان و نیکی، توجّه و حضور قلب زینت نماز، ترک کارهای بیهوده زینت تقوا و پرهیزکاری است. 31
12. كَيْفَ يَضِيعُ مِنَ اللَّهِ كَافِلُهُ، وَ كَيْفَ يَنْجُو مِنَ اللَّهِ طَالِبُهُ؛ چگونه ممکن است کسی که خدا سرپرست اوست، تباہ شود؛ و چگونه ممکن است کسی که خدا در تعقیب اوست، رهایی یابد؟ 32
13. عِزُّ الْمُؤْمِنِ غِنَاهُ عَنِ النَّاسِ؛ 33 عزّت مؤمن در بی نیازی از مردم است.
14. اَلْعُلَمَاءُ غُرَبَاءُ لِكثَرَةِ الْجَهَالِ بَيْنَهُمْ؛ 34 علما با زیاد بودن جاهلان، غریبند.

پی نوشت ها :

1. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، ص 471، به نقل از: اصول کافی، ج 1، ص 452؛ الارشاد، ص 297؛ التهذیب، ج 6، ص 90؛ مسار الشیعه، ص 7؛ کشف الغمّه، ج 2، ص 343؛ المناقب، ابن شهر آشوب، ج 4، ص 379.
2. «ماریه قبطیه» کنیزی بود که به همسری رسول خدا (ص) در آمد. از وی ابراهیم فرزند پیامبر به دنیا آمد که در کودکی چشم از جهان فرو بست.
3. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص 472، به نقل از: فرق الشیعه، ص 100.
4. اصول کافی، ج 1، ص 497؛ التهذیب، ج 6، ص 90.
5. اعلام الهدایه، مجمع جهانی اهل بیت، ج 11، ص 28، به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص 151 و 152؛ مناقب، ج 4، ص 394.
6. اعلام الهدایه، ج 11؛ ص 52، به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص 27 - 29.
7. همان؛ به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص 31.
8. اصول کافی، ج 1، ص 353؛ بحار الانوار، ج 50، ص 68.

9. مطالب السَّوول، ابن طلحه شافعی، ص 239؛ الفصول المهمّة، ص 252.
10. الوافی بالوفیات، ج 4، ص 105.
11. الفصول المهمّة، ص 251.
12. الاتحاف بحبّ الاشراف، ص 168.
13. اعلام الهدایه، ج 11، ص 39، به نقل از حیاة الامام محمد الجواد (ع) ، ص 67.
14. همان، به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص 220.
15. همان، به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص 222.
16. همان، ص 41، به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص 212.
17. همان، به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص 214 و 215.
18. همان، به نقل از مستدرک عوالم العلوم، ج 23، ص 218.
19. رجال شیخ طوسی، ص 397 - 409.
20. اعلام الهدایه، ج 11، ص 198 - 209؛ ر. ک: رجال کشی، طبع مشهد، ص 275، 502، 503، 548، 550، 551 و 552؛ رجال نجاشی، ص 149، 190 و 253؛ حیاة الامام محمد الجواد (ع) ، ص 139، 141، 156، 159 و 164؛ رجال شیخ طوسی، ص 405؛ فهرست شیخ طوسی، ص 58؛ جامع الرّواة، ج 1، ص 554.
- 21 - 26. نورالابصار، شبلنجی، ص 180 و 181.
- 27 - 32. الفصول المهمّة، ص 289 - 291.
33. اعلام الهدایه، ج 11، ص 240، به نقل از بحارالانوار، ج 75، ص 109.
34. همان، ص 243.